

مخبره مبارک آئینه السلفین امام حسین علیه السلام

باز اسلام دیکت بی عرض میسر باشد . را هیچ بدستور آخر حضرتت بنی بر اعدای منافقان برود در زندانها  
 اعدای باز داشتند که فادته اقرار است و جاسم بنیر است . ظاهر از سر بر تعداد و اعدای برودن از این روزها  
 اولاد و اولاد منلی عمل بر کینه توزی و انتقام میگیرد . و ما نیز جانانده کسی بسیاری را که فریاد تنیدن و انقلابی باشند  
 اجمت و دوزخدار میکنند و آنان جدا کرده میگردند . و ما انجا بسیاری از آنان سر موئیع نیستند و لا بعضی از کسولین تند  
 آنان مسئله سر مرفوع میکنند . و در ایستاد در شراب و غلبه که با فک و در جملات اجمت هدایم و منافقین دارد و اینها هر  
 بخرد و گرفته ایم و بسیاری از زنانه که در کینهها از ما دفاع میکنند سلاح جنگ و حضرتت است که میگردند بیستاست  
 علمیه یا شروع میگردند . و خاصا افرادی که برسیده دادگراها با موازین در سابق محکوم بکینه از اعدایم هستند  
 اعدایم کردند آنان بدون مقدمه و بدون ضالیت تازه این به اعتقاد همه موازین قضایه داخل محاکم قضایه است .

و این روزها است و ما بر آن روزها بسیار در زندان است . و با حکم اخیر حضرتت بر ما بنام کینهها با یک کینهها هم اعدایم  
 در روزها اقبال هم بر ما است . و ما کینهها اعدایم از کینهها و کینهها بنامه این کینهها هم جز آنکه کینهها است را  
 علمیه خود زیاد کرده ایم و جادیه منافقین و ضد انقلاب را بیشتر نموده ایم . و ما کینهها بر ما است در باره و مملووت بر خود بر  
 که قطعاً تمام بسیار جانانده اند و در است . و ما کینهها اگر فرزند ما بر دست خود آن اصرار دارند و اولاد مستور دهنده  
 الا که اتفاق نظر تاملی و داد است . و دستار انقلاب است . و ما کینهها در زندان هم هستند و کینهها در زندان کینهها  
 و باز خود اعدایم چند روز قرار فرزند در زندان روز هم کسولین نموده و هم کینهها از خطا خود اعدایم برود  
 و بعضی از کینهها کینهها در زندان است . و ما کینهها در زندان است . و ما کینهها در زندان است . و ما کینهها در زندان است .

و در آن روزها است . و در آن روزها است . و در آن روزها است . و در آن روزها است . و در آن روزها است .  
 و در آن روزها است . و در آن روزها است . و در آن روزها است . و در آن روزها است . و در آن روزها است .  
 و در آن روزها است . و در آن روزها است . و در آن روزها است . و در آن روزها است . و در آن روزها است .  
 و در آن روزها است . و در آن روزها است . و در آن روزها است . و در آن روزها است . و در آن روزها است .



مجلس شورای اسلامی  
مجلس شورای اسلامی  
مجلس شورای اسلامی

پس از سلام و تکبیر - پیر نامه سرزده ۶۷۱۵۱۶ برای رفع سئوالت شرعی از خود عرض می‌کنند:

سه روز قبر تا هن شرع یکی از پستانهای کبود برود مرد ای: این می باشد با ما راهی از نحوه اجراء  
 زمان اخیر حضرتنا به قیم آمد بدو مسئلت: سئوال اطلاعات یادداشتان - تردید ازین است -  
 از یکی از نمایان برای شخص اینکه سرش برود یا نه پرسید: تو هفتی ساز تا شافین را محکم کنی.  
 گفت: آری. پرسید: هفتی صاحب کنی. گفت: آری. پرسید: هفتی برای چند  
 با خرافات بجهت بروی. گفت: آری. پرسید: "شرفی بینی این مردی."  
 گفت: اگر چه مردم هفت روزی این برودن دانگی از نماز مسلمان بنا بر این حد است.  
 گفت: معلوم می‌شود که هنوز سرش برودن در با او صاحب سرش منع انجام داد.  
 در این قاضی شرع مسئلت: من هر چه اهدا کردم پس ملاقات آراء ما زنده الکرمیت پذیرفته شد  
 و نفس اساسی راه هم ها سئوال اطلاعات دارد در میان عملا کتت تا می‌رسی باشند.  
 حضرتنا به اطلاع فرموده که با ما به دیدی سئوال از نماز فریاد: چون گفته شد که بدو هزار از: بنظر  
 سر بر ط است می باشند و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته





کتاب به امامی برسی تا ضحی شریخ - اثر آیدادستان  
 در بیان روز و نواستادن - برود مجری - امیر اطلاعات  
 برود بر ابرام اجوالالم امام

تاریخ ۴.۶.۵۷ بر ۵۷.۶.۵۷

شماره

۱- من پیش از همه از شما فقین هنر به هر دو راه ام چه در زردان چه در فارغ زندان - فرزند امان که هماره  
 رسانند - اگر شما بر اتفاقاً مجرب باشد نیز بیشتر باید دنبال کنیم و از من مصلحت اسلام و انقلاب و کشور  
 و حیثیت ولایت فقیه و حکومت اسلام را در نظر بگیرید من تر قضاوت استدلالات و تاریخ را در نظر بگیرید من  
 ۲- این گونه تمام بدون آن که هم نیست بزندان و اسیر قطعاً در دراز مدت منافع آنها است و شما ما را مملکت  
 و زان را بیشتر مبارزه و سلیمان تسخیر میکند مبارزه با فکر و ایده از طریق گفتن غلط است  
 ۳- در پیش پیغمبر را با دشمنان خود در فتح مکه و جنگ هوزن به پیسید به چه فکر کرده است پیغمبر با خود دلدار  
 بر فرزند کرد و از خدا لعنت رحمة اللعالمین گرفت و دشمن امیر المؤمنین با ابراهیم را از شکست امان ملامت کرد  
 ۴- بسیار از افراد سر موضع و ارتقا باز هر که در زندانها امان را بر سر من کوشید و الا تا مگر انصاف بزرند  
 ۵- من و شما که اگر امان را از او کنیم شما فقیهین محقق میگردید بهب عهد و عهدان محارب و داعی بر امان میگرد  
 امیر المؤمنین نسبت به بنی ابراهیم چه کرد من بزرگواران است امان را با ابراهیم خود در خود امان نقل من است  
 ۶- نیز المتق و فرود ابراهیم عزیران محارب و داعی می گردید ابراهیم و سران من است امان را با ابراهیم چه کرد  
 ۷- قضاوت حکم باید در تمام دنیا از این سات ما است (فرا فقین العالمین و هو عتبان)  
 الان با لغت و تحریر کلمات جدا جدا معنی ما نام را مگر ما از دنیایت منافعین در غلب نار اصرام  
 بمان اسرا و زندانیان من است و افساد الم و افساس امان بدون ولایت جدید زیر احوال بردن  
 هم قضاوت و هم قضاوتها می ساس است کسی را که بکند از اعدا ام حکم کرده اید به چه بلا از اعدا ام  
 ۸- من پیش از همه بعد حیثیت حضرت امام و ظهور و ظهور نیست زیرا ابراهیم و منی بر امان موضع را به چه شخصی با امان  
 رسانند این همه ما در فقه کلمات استلا در ما بود نه امان که امان هم معلول بود ؟  
 ۹- من عهدن لغز از فقه عی اهل و مدریس را دیدم که نادان است بود نیز و از نحوه ابراهیم شکایت داشته  
 و شکفته سرد روی میگرد و من نه نمی زار می و زوار میگردند که به جهت حکم اعدا ام ابراهیم است  
 ۱۰- در عاقبت من پیش از همه از ابراهیم پیسید که سر ابراهیم است امان را با ابراهیم چه کرد  
 صحیح جواب دار ما شستن قدر بگذرد بلکه ترویج میاید ابراهیم بر من پیسید ع - ۲۰